

گفتگو

با

امانوئل ملک اصلانیان

درباره

تحول موسیقی ایرانی

ژورنال علمی و پژوهشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

از ع. م. رشیدی

امروز در باره موسیقی ایران سه عقیده مشخص بچشم میخورد:

- ۱ - عقیده طرفداران سنت . سنت پرستان عقیده دارند که هر گونه تحول در موسیقی ایران خیانت است و موسیقی ایران همین است که هست و صحبت تحول و سروصدای نهضت تحول در موسیقی را باید در گلو شکست .
- ۲ - عقیده فرنگی مآبها و «سنوب»ها . این عده اصولاً منکر موجودیت و با حق وجود موسیقی ایران هستند و عقیده دارند که باید موسیقی غرب را جانشین موسیقی ایران کنیم و فواصل مخصوص موسیقی ایران را حذف

کرده و خود را با تحولات موسیقی غرب آشنا سازیم ، تا موسیقی ما از حالت رکود و خموشی بیرون آید ؛

۳ - عقیده طرفداران تحول در موسیقی ایران . این عده که از آهنگسازان و موسیقیدانهای تحصیل کرده و دانشمند ما هستند ، عقیده دارند که موسیقی ایران ، موسیقی مخصوص بخودی است که در هیچ جای دنیا معادلی ندارد . این موسیقی با ملت ایران پیوند خاصی دارد که ناکستنی است و از لحاظ هنری در سرحد کمال میباشد . ولی امروز با تحولاتی که در شئون اجتماعی ما انجام گرفته و با رابطه ای که با دنیای دیگران داریم ، ضرورت ایجاد تحول احساس میشود . تحول يك امر و مساله من در آوردی نیست . بلکه ناشی از زندگی اجتماعی و حالات و روحیات يك جامعه است . اصولا هیچ انسان پیشرو و منرقی نمیتواند منکر این اصل گردد . بنا بر این اگر بخواهیم موسیقی ایران را از دستبرد تحریف زمان محفوظ نگاه داریم ، بناچار باید قانون تحول را قبول کنیم و اگر بخواهیم اصل تحول را بپذیریم موسیقی ایران را با ستانه مرگ کشانده ایم و این گنجینه و منبع عظیم الهام و آفرینش را خاکستر کرده و بیاد داده ایم .

آقای امانوئل ملک اصلانیان که یکی از آهنگسازان معتبر و ارزنده ماست ، طرفدار این طرز فکر و عقیده میباشد . باین جهت آشنائی با افکار و نظریات و عقاید و روش وی درباره موسیقی ایران لازم می نمود . در اینجا باز باید این موضوع را تکرار کرد که در مرحله فعلی ، اظهار نظر قطعی درباره موسیقی ایران نمیتوان کرد . تمام عقاید شاید سهمی از حقیقت را دربر داشته باشند ولی آنچه که قطعی است از برخورد آراء و عقاید راه آینده موسیقی ایران تعیین خواهد گشت . در این گفتگو صحبت های آقای ملک اصلانیان و اینجانب با «م» و «ر» مشخص شده است .

رتال جامع علوم انسانی

ر - پیش از آغاز بحث لازم میدانم از جنابعالی سؤال کنم که موسیقی ایران را تا چه حد می شناسید و آشنائی شما با موسیقی ایران تا چه اندازه است ؟

م - من دستگامهای موسیقی ایران را بخوبی می شناسم و کوشش من مصروف بر این بوده است که موسیقی ایران را هر چه بیشتر درک کنم . ناگفته نماند که این امر ، نیاز درونی من بوده است ، بنا بر این همیشه سعی کرده ام که با دقت موسیقی ایران را گوش کنم و روی آن مطالعه نمایم . در اینجا لازم میدانم این نکته را یادآوری کنم که موسیقی ایران برای من يك موسیقی غربیه و بیگانه نیست .

ر - با توجه باین مطالب درك شما از موسیقی ایران چیست . یعنی با این آشنائی چه احساس و درکی از آن کرده اید ؟

۲ - موسیقی ایران يك موسیقی عرفانی است و عرفان تکیه گاه استوار و مستحکم موسیقی ایران بوده است و اگر بایک دید وسیع باین مساله نگاه کنیم ؛ متوجه میشویم که «کاراکتر» این موسیقی از نیازهای عارفانه مایه میگیرد .

ر - من بانظر شما موافقم. ولی اجازه میخواهم که کمی درباره این موضوع صحبت کنم تا مطلب روشن تر گردد .

م - خواهش میکنم .

ر - بعد از حمله عرب ، موسیقی تحریم گشت و جلوه ای شد از سیمای شیطان ! ولی ایرانیان در تمام زمینه ها در برابر اعراب مقاومت کردند و آخرین مقاومت و واکنش ایرانی در برابر اعراب تصرف و عرفان بود. موسیقی که در مذهب عرب حرام بود، در مذهب عرفان برای نزدیکی بخدا بکار رفت . موسیقی ورقص و آواز که در مذهب عرفان «سماع» نامیده میشود ، بقول معصوفان و عرفا در انسان حالت «وجد» پدید میآورد و «وجد» عبارت است از مجذوب شدن بخدا از راه گوش .

بنابراین با تحریم موسیقی از طرف اعراب موسیقی آمیزشی خاص با فلسفه و جهان بینی عرفان پیدا کرد و همانطور که گفتید عرفان تکیه گاه استواری برای موسیقی ایران گشت ، ولی با تحولات اجتماعی امروز ، آیا این آمیزش ضرورت دارد ؟

م - خیر . امروز باید موسیقی از عرفان جدا شود ، همانطور که در غرب موسیقی از مذهب جدا گشت .

ر - چطور ؟ خواهش میکنم توضیح دهید .

م - در غرب موسیقی با مذهب آمیختگی خاصی داشت و سرانجام بر اثر تحولات اجتماعی و هنری مذهب و موسیقی از هم جدا شدند و دوگانگی بین مذهب و موسیقی ایجاد شد . شروع دوگانگی بین مذهب و موسیقی ، آغاز تحول در موسیقی جدید اروپا بود و سرانجام موسیقی غرب بدین پایه رسید که اکنون شاهد آن هستیم .

ر - پس بنظر شما آغاز تحول در موسیقی ایران باید آغاز جدائی موسیقی و عرفان باشد .

م - بله . ما برای ایجاد تحول در موسیقی ایران نیاز به دوگانگی داریم و باید موسیقی ایران را از انحصار عرفان بیرون بیاوریم و اگر بتوانیم این سد را بشکنیم موسیقی غنی تری خواهیم داشت .

ر - در این صورت با این جدائی حالات موسیقی ایران از بین خواهد رفت و يك نوع موسیقی خاصی بوجود خواهد آمد که فکر میکنم ارتباطی با گذشته موسیقی ایران نداشته باشد .

م - خیر، اینطور نیست . شاید نتوانستیم مقصودم را درست بیان کنم. منظور من اینست که امروز آمیزش موسیقی و عرفان به بن بست رسیده است و ما اگر نخواهیم موسیقی ایران زنده بماند، ناچار هستیم که موسیقی را از انحصار عرفان بیرون آوریم. البته در این وضع حالات عرفانی موسیقی ایران از بین نخواهد رفت چون عرفان با

زندگی ما، گذشته ما و پیوندهای روحی ما بستگی دارد. امروز باید موسیقی خاصی ایجاد کنیم که تکیه آن بر گذشته اش باشد تا در آینده راه برگشتی در کار باشد و البته این موسیقی حالت تقدس (Sacré) و روحانی خود را حفظ خواهد کرد. در موسیقی غرب هم جدائی بین مذهب و موسیقی باعث نکشت که این حالت از بین برود و در آثار آهنگسازان بزرگ، نشانه‌هایی از این حالت بچشم میخورد.

ر - از گفته‌های شما چنین نتیجه میگیرم که تا وضع زندگی ما تغییر نکند و تا تحول عمیقی در طریق زیست ما روی ندهد، با وجود آنکه موسیقی را از انحصار عرفان خارج کنیم، باز هم روحیه عرفانی در موسیقی ایران دیده خواهد شد.
م - بله، همینطور است.

ر - خوب، حال میخواهم از شما بپرسم که این نظریات و افکار خود را چگونه در زمینه موسیقی ایران و در آثار خود بکار بسته‌اید و آیا توانسته‌اید در این کار توفیق یابید؟
م - من در آثار خود سعی کرده‌ام که راهی بسوی دوگانگی بیابم. حال در این راه تا چه اندازه موفق شده‌ام، بازمان است که در این مورد قضاوت صحیح کند.
ر - ممکن است بفرمائید، چه روشی در مورد آفرینش آثار خود بکار بسته‌اید؟
م - من یک ملودی عرفانی، بهتر است بگویم که یک تم عرفانی پیدا میکنم...
ر - معذرت میخواهم. این تم را از کجا پیدا میکنید؟
م - از دستگاہها و نغمه‌های موسیقی ایران. مثلاً دو اثر در چهار گاه و دشتی ساخته‌ام...

وقتی تم را پیدا کردم، دقت میکنم که این تم مبتدل نباشد، آنوقت توجه میکنم که بینم این تم چه چیزهایی در خود پنهان دارد. آنقدر روی این تم فکرمیکنم و مینوازم که خود بخود از این تم چند صدای دیگر بوجود آید، زائیده شود و بسوازیات تم اصلی پیش برود...

ر - شما در مورد چند صدائی کردن موسیقی ایران به چه تکنیکی متوسل میشوید؟
م - به تکنیک کنتربوان. من تمی که شرح دادم بعنوان ملودی اصلی یا کانتوس فیرموس Cantus Firmus بحساب میآورم و بعد چند کنتربوان پیدا میکنم. باین طریق ملودی‌هایی از تم اصلی زائیده میشود، آنگاه تم اصلی را در بخش بساس میگذارم و...

این مرحله از لحاظ فنی، اولین مرحله چند صدائی در موسیقی اروپا است، با این تفاوت که این کار برای آنها اندکی جنبه مقدماتی و تمرین داشت ولی برای من کمپوزیشن و آفرینش است...

ر - با توجه باین گفته‌ها، شما برای چند صدائی کردن موسیقی ایران از تکنیک موسیقی غرب استفاده میکنید و برای چند صدائی کردن بطریق آنها متوسل میشوید. آیا سیر تحول موسیقی ایران باید همان سیر تحول موسیقی غرب باشد؟

م - خیر. ابدأ چنین فکری در کار نیست. نحوه تحول باید از خود موسیقی ایران زائیده شود. من در مورد موسیقی ایران، تمام معلوماتی را که از موسیقی غرب کسب کرده‌ام، کنار میگذارم و هیچ استفاده‌ای از آن نمیکنم. تحول در موسیقی ایران راه جداگانه‌ای دارد، فقط استفاده‌ای که تکنیک بین‌المللی در این مورد میتواند برساند، اینست که وسائل پرورش تم‌ها بدست انسان میدهد.

ر - در آغاز بحث گفتید که دستگاههای موسیقی ایران را بخوبی میشناسید، حال از شما خواهش میکنم که نظر خاص خود را درباره دستگاههای موسیقی ایران بیان کنید.

م - مینولوژی یونان، منبع الهام برای ادبیات غرب بوده است و اگر ما ادبیات غرب را مطالعه کنیم، باین نکته بآسانی برخورد میکنیم. در ملول اعصار و قرون، اساطیر یونان سبب‌های فکری برای نویسندگان دنیای غرب بوده است و آنها با الهام از این منبع عظیم اندیشه و هنر دنیای قدیم، آثار خود را بوجود آورده‌اند. دستگاههای موسیقی ایران باید برای ما تا حدی جنبه یک مینولوژی را داشته باشد. منتهی مینولوژی موسیقی ما میتوانیم ذره‌ای از این دستگاهها برداشته و آنرا گسترش دهیم. منتهی خطر مهلکی در مرحله فعلی دستگاههای موسیقی ایران را تهدید میکند.

ر - چه خطری؟ آیا مقصودتان اینست که دستگاههای موسیقی ایران بر اثر کم-توجهی از بین میروند؟

م - بی توجهی بدستگاهها بجای خود. ولی خطری که فعلا دستگاههای موسیقی ایران را تهدید میکند، شخصیت نوازندگان است.

ر - خواهش میکنم توضیح دهید.

م - بطوریکه میدانیم سبک اجرا و حالات دستگاههای موسیقی ایران از نوازنده به نوازنده تغییر میکند و با شخصیت نوازنده بالا و پایین میرود و اصولاً نوازنده در موسیقی ایران آفریننده است و بداهه نوازی روی موسیقی ایران برای اصل تکیه دارد. این آزادی خاص در مورد آفرینندگی، موسیقی ایران را بخطر انداخته است، چون یک نوازنده تحت تأثیر عوامل محیط و اجتماع قرار دارد و با تغییراتی که در عوامل محیط و اجتماع روی دهد، حالات روحی نوازنده تغییر خواهد کرد. بنابراین با تأثیری که موسیقی‌های بیگانه و بلندگوها و عوامل اجتماعی روی نوازنده میگذارند مسلم است که اصالت دستگاهها از بین خواهد رفت و آزادی‌ای که نوازندگان دارند، این خطر را مسلم میسازد.

ر - برای رفع خطر و حفظ دستگاهها چه باید کرد؟

م - اگر بخواهیم دستگاههای موسیقی ایران را حفظ کنیم، ناچار باید آنها را تثبیت کنیم و یکی دیگر از موجبات حفظ دستگاهها همان تحول در موسیقی ایران خواهد بود. چون تحول راز زنده بودن است و ایجاد تحول باعث نجات دستگاهها

خواهد شد و از مرگ دستگاہهای موسیقی ایران جلوگیری خواهد کرد. امروز موسیقی ایران بر سر دوراهی مرگ و زندگی است و اگر علاقه به زنده بودن موسیقی ایران داریم، خواه و ناخواه باید قانون تحول را بپذیریم.

۱- آهنگسازان ما در این میان چه نقشی دارند؟

۲- کمپوزیتورها نقش مهمی در سیر تحول بعهده خواهند داشت. موسیقیدانها باید نقش قابله را داشته باشند و از دل دستگاہها، نوزاد موسیقی آینده را بیرون کشند...

۳- در اینجا بناچار بحث را پایان میدهیم، چون مایل هستیم که نظریات شما هر چه بیشتر نمایانده شود امیدوارم که گفتگوی ما درباره موسیقی ایرانی ادامه یابد...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی